١٠٤٦

کتاب

نزهة القلوب

تألیف

عالم فاضل حمدالله مستوفی قزوینی

اطاب الله ثراه

المقالة الثالثة

در صفت بلدان و ولایات و بقاع

بسعی و اهتمام و تصحیح اقل العباد

گای لیسترانج

رسالهٔ ملك شاهی آمده که سلطان در کمیّت مسافت فراخ کم و بیشی استماع میکرده است اکثر طرق ایران و دیگر ولایات که اورا بر آن عبور بوده است میفرموده است پیمودن فراسخ خوارزم کابیش پانزده هزار گام است و در آذربایجان و ارمن بحدود ده هزار گام است و در عراقین و کردستان و لرستان و خوزستان و خراسان و فارس و شبانکاره و دیار بکر و غیر آن بجوار ششهزار گام بر می آمده و در ولایات روم و گرجستان و ارّان و موغان و شیروان خود فرسنگ اعتبار نمیکرده اند و منازل و اوقات می شمرده اند و در تمامت مملکت خود بنیاد فرسنگی بر ششهزار گام معتدل نهاده است و کمیّت مسافت طرقی که اورا برآن عبور بوده منزل بمنزل در آن رساله گفته است و در عهد اولجایتو سلطان مغول همچنین بعضی طرق‌را که میپیموده انــد و میل مینهاده انــد فرسنگی کابیش هشت هزار گز خیّاطی بر میآمــد و ذراع خلقی کابیش ثلثان گز خیّاطی باشد و گاهی معتدل الیه یك گز خیّاطی بیشتر است پس همه بهم نزدیك است و فرسنگ دوازده هزار ذراع خلقی کما پیش که حکمای ما تقدّم اعتبار کرده اند معتمد علیه است اکنون آغاز از شهر سلطانیّه که میان ایران زمین است و دار الملك است کرده شاهراه‌هارا تا اقصی ایران یاد کنیم و راه‌هارا که در حدود هر شاه راه باشد هم در پی آن شاهراه بیاوریم تا زود فهم شود،

شاهراه جنوبی و هی القبلیّة من السلطانیّة الی النّجف اقصی حدّ الایران صد و چهل و چهار فرسنگ است، من سلطانیّه الی همدان از سلطانیّه تا دیه نجشیر[1] پنج فرسنگ ازو تا دیه ولج پنج فرسنگ ازو تا رباط اتابك محمّد بن ایلدگز[2] چهار فرسنگ ازو تا دیه کرکهر[3] بولایت همدان چهار فرسنگ از و تا دیــه صاحی[4] همدان شش فرسنگ ازو تا

(۱) Variants بجشر، ولانجرد، ونجشر، نجشیر، بجشه، نجر، سجر (۲) Qaz. II. 257. (۳) کرکهرند، کرکر (۴) ساحی، ساجو، مساجین، صاحی

شهر همدان شش فرسنگ جمله باشد از سلطانیّه تا همدان سی فرسنگ،

ثمّ[1] من همدان الی قصر شیرین از همدان تا شهر اسد آباد هفت فرسنگ گریوهٔ کوه الوند[2] در این راه است ازو تا دیه کنگور اوّل کردستان شش فرسنگ از و تا دیه صحنه پنج فرسنگ ازو تا شهر چمچمال[3] چهار فرسنگ ازو تا دیه کرمانشاهان شش فرسنگ صُفّهٔ شبدیز که صورت خسرو و شیرین بر آنجا در سنگ تراشیده اند بر دست راست بیك فرسنگی این مرحله است و دو چشمه آب که آسیا بگرداند از زیر صُفّهٔ شبدیز بیرون میآید و از کرمانشاهان تا جکارمس[4] شش فرسنگ ازو تا دیه حا کاوان[5] پنج فرسنگ ازو تا دیه کرند و خوشان[6] شش فرسنگ ازو تا شهر حلوان بگریوهٔ طاق کرا[7] فرو باید رفت هشت فرسنگ و براه کبل و کیلان یك فرسنگ زیادتست و راه خوشتر از حلوان که اوّل ملك عراق عرب است تا قصر شیرین پنج فرسنگ[8] راه از آنجا جدا میشود از همدان تا قصر شیرین پنجاه و هشت فرسنگ و از سلطانیّه هشتاد و هشت فرسنگ از قصر شیرین براه بغداد تا شهر خانقین پنج فرسنگ از و تا رباط جلولا[9] که سلطان ملك شاه سلجوقی ساخت پنج فرسنگ ازو تا هارونیّه[10] پنج فرسنگ شهرابان بدست راست بدو فرسنگی این مرحله است از هارونیّه تا شهر یعقوبا هفت فرسنگ ازو تا شهر بغداد هشت فرسنگ جمله باشد از قصر شیرین تا بغداد سی فرسنگ و از همدان هشتاد و هشت فرسنگ و از سلطانیّه صد و هجده فرسنگ، ثمّ من بغداد الی النّجف اقصی حدّ الایران، از بغداد

---

(1) Many MSS give بر and so throughout. (2) Variant اروند

(3) جمجال، جنجمال (4) Qud. 19. حکاریش، جکاو، جکاوش، جکارش، حکارس

(5) جبارکاوان، جکاو، جاکاوان، حفاکادان، خبارکاوان، جفاه کاوان، حا کاوان، خفا کامران، خفارکان، جناکان، جفا کاران

(6) جوشان حوشان

(7) کرا ماد (8) I. K. 18. Qud. 197. I. R. 163, 165. Yqb. 269. J. N. 470.

(9) حلینه رباط (10) هرونیه

تا دیه صرصر دو فرسنگ ازو تا دیـه فراشه(۱) هفت فرسنگ ازو تـا شِطّ النیل هفت فرسنگ و دیه نرس(۲) که مقام نمرود بوده و ابراهیم خلیل عمرا آنجا بآتش انداخته بر دست چپ بیك فرسنگی این طریق است از شطّ النیل تا شهر حلّه دو فرسنگ شهر بابل بر دست راست بـه نیم فرسنگی این مرحله است بر کنار فرات ازو تـا شهر کوفه شش فرسنگ و از کوفه تا مشهد امیر المومنین مرتضی علی کرّم اللّه وجهه کـه بر سر بیابان نجف است دو فرسنگ جمله باشد از بغداد تا مشهد نجف بیست و شش فرسنگ و از همدان صد و چهارده فرسنگ و از سلطانیّه صد و چهل و چهار فرسنگ ، ثمّ من النّجف الی مکّة از مشهد که بر سر نجف است تا مکّه بیست و هفت مرحله است و در آن مراحل زبیده خاتون عبّاسیّه زن هرون الرّشید و سلطان ملك شاه سلجوقی و دیگر آکابر مصانع و آثار و امثال طرق فراوان ساخته اند اوّل(۳) از مشهد تا مغیثه بیست و چهار میل و منعشی بوادی السباع است بر پانزده میل چنانکه جریر گفته است

شعر

انّ الرّزیّـة من تضمّن قبره ، وادی السّباع لکلّ جنبٍ مصرع

و در مغیثه مصانع است ازو تا قرعا درو چاههاست سی و دو میل و منعشی بمسجد سعد فزاری(٤) است که عوامّ آنرا سعد بن ابی وقّاص خوانند بر چهارده میل از قرعا تا واقصه بیست و چهار میل درو چاههاست و از جمله چاه قرون که سلطان ملك شاه سلجوقی حفر کرده پانزده گز در پانزده گز است در عمق چهار صد گز در سنگ کنده اند و منعشی بطرف است بر چهارده میل از واقصه تا عقبهٔ شیطان درو چاههاست بیست و نه میل و منعشی بقیبیات است بر چهارده میل چنانچه شاعر گفته است

شعر

(۱) Cf. I. J. 217. Variants فرات ، فرابه ، قراجه ، خواشه ، فراش ، بادیه

(۲) دبوس و لولوس ، بر قوس ، بربوس ، دبوس و بوس

(۳) Cf. I. K. 126, from whom all this route is copied.

(٤) مقراری Cf. Yaq. II, 398.

هل لنا من زماننا . بالقبيبات مرجع .

از عقبه تا قاع درو چاههاست بیست و چهار میل و منعشی بالجلحا است بر سیزده میل و از قاع تا زباله درو آب بسیار است بیست و چهار میل و منعشی بجریسی است بر چهارده میل و از زباله تا شقوق درو برکهاست بیست و یك میل و منعشی بتنانیر است بر چهارده میل از شقوق تا بطان و هی قبر العبادی و درو برکهاست بیست و نه میل و منعشی به بردین بر چهارده میل و از عبادی تا ثعلبیّه بیست و نه میل و منعشی بهلیبه[1] است بسر چهارده میل جمله باشد از نجف تا ثعلبیّه دویست و سی و شش میل که هفتاد و هشت فرسنگ و دو میل تواند بود و از بغداد صد و چهارده فرسنگ و دو میل شمرده اند و راه واسط در ثعلبیّه با راه بغداد پیوندد و ثعلبیه‌را ثلث راه بغداد تا مکّه شمرده اند از ثعلبیّه تا خزیمه درو برکهاست سی و دو میل و منعشی بغمیس[2] است بر چهارده میل از خزیمه تا اجفر[3] و درو برکهاست بیست و چهار میل و منعشی به بطن الاغر بر چهارده میل از اجفر تا فید درو آب روانست سی و سه میل و منعشی به قراین است بر بیست میل از فید تا توز درو برکهاست و چاههاست سی و یك میل و منعشی بقرنتین[4] است بر هفده میل از توز تا سمیراء[5] درو برکهاست و چاههاست بیست میل و منعشی به نحیمه[6] است بر دوازده میل از سمیرا تا حاجر درو برکهاست و چاههاست سی و شش میل و منعشی بعباسیّه است بر پانزده میل از حاجر تا معدن نقره درو چاههاست سی و چهار میل و منعشی بقروری است بر هفده میل جمله باشد از ثعلبیّه تا این مرحله دویست و ده میل که هفتاد فرسنگ بود و از نجف صد و چهل و هشت فرسنگ و دو میل و از بغداد صد و هفتاد و چهار فرسنگ و

(١) Variants برمیه ، برهیه ، تامیه (٢) بعاّنی ، بعباس (٣) حتوقه ، حتوقیه
(٤) بقرین (٥) شمیرا (٦) مجیمه

دو میل راه مدینه از اینجا جدا میشود و از معدن نقره تا مغیثة الماوان درو برکهاست و چاهها‌ست سی و سه میل و منعشی بسمط است بر شانزده میل از مغیثة الماوان تا ربذه درو برکهاست و چاهها‌ست بیست و چهار میل و منعشی به اریمه بر چهارده میل از ربذه تا معدن بنی سلیم درو برکهاست بیست و چهار میل و منعشی بشروری[1] بر دوازده میل از معدن بنی سلیم تا سلیله بیست و شش میل و منعشی بکباین است بر دوازده میل و از سلیله تا عمق درو برکهاست و چاهها‌ست بیست و یك میل و منعشی بسلجه بر دوازده میل از عمق تا افیعیّه درو برکهاست و چاهها‌ست سی و دو میل و منعشی بکراع[2] بر پانزده میل از افیعیّه تا مسلح درو برکهاست و چاهها‌ست سی و چهار میل و منعشی بکبرانه بر چهارده میل از مسلح تا غمره درو برکهاست و چاهها‌ست هجده میل و منعشی بقصر است بر هشت میل از غمره تا ذات العرق که میقات این طریق است و بعضی میقاترا بمسلح شمارند بیست و شش میل و در ذات العرق چاهها‌ست و منعشی باوطاس است بر دوازده میل و راه بصره در اوطاس با ذات العرق با این راه پیوندد و از ذات العرق تا بستان ابن عامر درو آب بسیار است بیست و دو میل و منعشی بغمر ذی کنده است بر پانزده میل از بستان ابن عامر تا مکّه بیست و چهار میل و منعشی بمشاش. است بر پانزده میل جمله باشد از معدن نقره تا مکّه دویست و هشتاد و چهار میل که نود و چهار فرسنگ و دو میل است و از ثعلبیّه صد و شصت و چهار فرسنگ و دو میل و از نجف دویست و چهل و سه فرسنگ و میلی و از بغداد دویست و شصت و نه فرسنگ و میلی و از همدان سیصد و پنجاه و هفت فرسنگ و میلی و از سلطانیّه سیصد و هشتاد و هفت فرسنگ و میلی و در صور الاقالیم گوید که از راه راست نجف تا مکّه همچنین بیست و هفت مرحله

(1) Variant سرورا (٢) لواع

است و از کوفه تا مدینه بیست مرحله و از مدینه تا مکّه ده مرحله و من مکّة الی المدینة(۱) بطریق الجادة از مکّه تا بطن مر درو چشمهٔ ایست و برکه شانزده میل ازو تا عسفان درو چاههاست سی و سه میل ازو تا قدید درو چاهاست بیست و چهار میل از و تا جحفه که میقات اهل شام است بیست و هفت میل دریای قلزم بر پنج میل این مرحله است ازو تا دیه ابوا درو چاهاست بیست و هفت میل ازو تا سقیا درو آب روانست بیست و نه میل ازو تا رویثه درو برکهٔ آب است سی و شش میل ازو تا سیاله درو چاهاست سی و چهار میل ازو تا ملل درو چاهاست نوزده میل از و تا شجره دوازده میل ازو تا مدینه سه میل جمله باشد از مکّه تا مدینه دویست و شصت میل که هشتاد و شش فرسنگ و دو میل باشد، و بطریق البدر از مکّه بدبه حی(۲) سه فرسنگ از آنجا بمغارهٔ(۳) ابو بکر و عثمان(۴) رضعهما که آنرا سیسان(۵) خوانند و رفیع(۶) نیز گویند شش فرسنگ از آنجا بماء الخلیص که عقبهٔ سویق(۷) آنجاست هشت فرسنگ و از آنجا بمغارهٔ طفوه رائق و بقال وادی طفوان(۸) هشت فرسنگ و از آنجا بماء رابط عراب و سعال(۹) رائق و سعال انجود(۱۰) و میل ابو جهل آنجاست هشت فرسنگ و از آنجا بوادی البدر(۱۱) هشت فرسنگ و از آنجا ببدر و حنین سه فرسنگ و از آنجا بوادی الصفرا شش فرسنگ و از آنجا بوادی الغزال(۱۲) هشت فرسنگ و از آنجا بذو الحلیفه که میقات است هفت فرسنگ و از آنجا ببیر(۱۳) امیر المؤمنین علی عم هشت فرسنگ و از آنجا بمدینة حضرت رسول صلعم

(۱) I. K. 130, in reverse way. (۲) Variant حسی (۳) بزیارت

(۴) عمر (۵) سفیان ،سیسفان ،سیفان (۶) رفیع (۷) J. N. 540. رایق

(۸) صفوان Mahya'ah. مهیعه or رابغ Yaq. IV, 702. J. N. 542. طفوره رابن ،قلفوه

(۹) عراق و بقال (۱۰) و بقال الجحفه و مثل (۱۱) بوادی حبیب البر

(۱۲) Yaq. III, 399 and 797. حب البرر (۱۳) J. N. 540 بعمره ایار

دو فرسنگ جمله باشد دویست و چهل و سه میل که هشتاد و یك فرسنگ باشد، و طریق الّذی سلك رسول اللّه صلّی اللّه علیه و آله وقت الهجرة از زیر مکّه دلیل گرفت تا دریا کنار نزدیك عسفان و از آنجا براه رفت تا از قدید بگذشت از قدید بین الخرار رفت و به ثنیه المراة رفت و از آنجا بیان مدلّجه مجاج پس بزمین مرجح پس ببطن مرجح ذی الغضوین پس ببطن ذات کشد پس به الاجرد پس بذی سمر پس ببطن اعدا و مدلّجه تعهن پس بعثیانه رسید پس بجان بالقاحه پس بهبط العرج پس بیان ثنیة الاعیار بیرون رفت و بیان بنی عمرو بن عوف آمد و بقبا شد پس در مدینه رفت، و من المدینة الی النجف بجدّ المشهد فی المراجعة(۱) از مدینه تا طرف که درو آب روانست(۲) سی و پنج میل ازو تا بطن نخل که درو آب باران است بیست و دو میل ازو تا عسیله که درو چاهها شور است سی و شش میل ازو تا معدن نقره چهل و شش میل جمله باشد از مدینه تا معدن نقره صد و سی و نه میل که چهل و شش فرسنگ و میلی باشد از معدن نقره تا نجف بموجب شرح ما قبل صد و چهل و هشت فرسنگ و دو میل که جمله باشد صد و نود و پنج فرسنگ، و من واسط الی ثعلبیّة ثمّ الی مکّة شرّفه اللّه از واسط تا شعشعه سی میل ازو تا عبصی(۳) سی و دو میل ازو تا ذات العین(۴) بیست و شش میل ازو تا شابیه(۵) بیست و شش میل ازو تا اخادید(۶) سی میل ازو تا خرجاء(۷) سی میل ازو تا سوبه(۸) بیست و هفت میل ازو تا لینه(۹) سی میل ازو تا ثعلبیّه بیست و پنج میل جمله باشد از واسط تا ثعلبیّه دویست و پنجاه و شش میل که هشتاد و پنج فرسنگ و میلی بود و از ثعلبیّه تا مکّه بموجب شرح ما قبل صد و شصت و چهار

(۱) I. K. 128 in reverse way. (۲) Variant باران است (۳) عبص, عیض (۴) باب المغنی (۵) شابه, شام (۶) اجاریه Yaq. I. 158. (۷) جوخا Yaq. II, 418. (۸) شوبه, تبنویه, سربه (۹) Yaq. IV, 375.

فرسنگ و دو میل هر دو باشد دویست و پنجاه فرسنگ، و من بغداد الی سایر البلاد ثمّ الی بصرة از بغداد تا مداین شش فرسنگ ازو تا دیر [ال]عاقول هشت فرسنگ ازو تا جبل هفت فرسنك ازو تا فم الصلح ده فرسنگ ازو تا واسط نه فرسنگ جمله باشد از بغداد تا واسط چهل فرسنگ از واسط تا نهرابان ده فرسنگ ازو تا فاروت هشت فرسنگ ازو تا دیر العمال پنج فرسنگ ازو تا حوانیت هفت فرسنگ ازو در شطّ باید رفت و از بطایح گذشته از نهر الاسد تا دجلة العورا آمد جمله باشد سی فرسنگ و ازو در نهر معقل ببصره باید شد جمله باشد ده فرسنگ و از واسط تا بصره چهل فرسنگ و از بغداد هشتاد فرسنگ، و من بصرة الی البحرین از بصره تا عبادان دوازده فرسنگ و از آنجا دو فرسنگ دیگر خوشاب است بعد از آن در بحر تا شهر بحرین هفتاد فرسنگ و در این راه دو کوه خفته است در زیر آب که آنرا عویس و کسیر خوانند اگر کشتی بر سر آن کوهها رانند خلل یابد و عمق آب درین راه هفتاد یا هشتاد باع میباشد جمله باشد از بصره تا بحرین هشتاد و چهار فرسنگ، و من بصرة الی دولتخانهٔ قیس[1] از بصره تا جزیرهٔ خارك پنجاه فرسنگ ازو تا جزیرة الان[2] هشتاد فرسنگ ازو تا جزیرهٔ ابرون هفت فرسنگ ازو تا جزیرة چین[3] هفت فرسنگ و درو ساکنان نیستند ازو تا جزیرهٔ قیس هفت فرسنگ جمله باشد از بصره تا قیس صد و پنجاه و یك فرسنگ، و من بغداد الی اصفهان اعظم بلاد عراق عجم از بغداد تا کنگور بموجب شرح ما قبل هفتاد و پنج فرسنگ از کنگور تا بیدستان[4] پنج فرسنگ ازو تا شهر نهاوند سه فرسنگ ازو تا دیه فرامرز[5] چهار فرسنگ ازو تا شهر بروجرد[6] چهار فرسنگ ازو

(۱) Variant قیش throughout. (۲) العان ,لان (۳) خین ,حین ,جبن
(۴) Cf. J.N. 470 بید شای (۵) فرامرق ,فرافرق
(۶) وروجرد